

# کتاب ماه

تاریخ و جغرافیا ۱۲

ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب

صاحب امتیاز:

خانه کتاب ایران

مدیر مسئول:

احمد مسجد جامعی

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ماهنامه‌ای است که باهدف اطلاع رسانی در زمینه کتاب و مسایل نشر و کمک به ارتباط خلاق بین پدیدآورندگان، ناشران، کتابداران و سایر فعالان عرصه نشر و فرهنگ کشور از سوی موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی و خانه کتاب ایران انتشار می‌یابد.

هر ماه فهرست کامل انتشارات ماه پیشین که با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتشار یافته است و درنظام اطلاع رسانی خانه کتاب ایران وارد شده‌اند بر اساس نظام رده‌بندی دهمی دیویی ارائه می‌شود. شناسه کتابها تا حد امکان - حداقل کتابهای چاپ اول - با خلاصه‌ای از کتاب همراه است. در پایان این بخش نمایه‌ها نیز آورده شده است.

مسئولیت نقد و ارزیابی کتاب و مسایل کتاب بر عهده نویسندگان است و به هیچ وجه به منزله نظر رسمی خانه کتاب نیست.

سر دبیر:

عبدالرسول خیراندیش

بخش فهرست و خلاصه کتاب:  
مدیریت اطلاع رسانی و خدمات  
رایانه‌ای

مدیر فنی و هنری:

محمد کرمی

مدیر داخلی:

مسعود سلیمی

همکاران این شماره:

منصور صفت‌گل، مصطفی ندیم، محمد جواد فخرایی، دکتر ابوالقاسم فروزانی، عبدالکریم مشایخی، دکتر حسین مفتخری و مجتبی تبریزتیا

لیتوگرافی:

پان‌گرافیک

چاپ و صحافی:

اتی‌بین

نشانی: تهران خیابان انقلاب بین صبا و

فلسطین شماره ۱۱۷۸

صندوق پستی ۱۳۱۴۵-۱۳۱۴۵

تلفن: ۶۴۱۵۴۵۵ - ۶۴۱۴۷۵۰

# رنسانس

## پرسش بزرگ تاریخ جهانی

● دکتر عبدالرسول خیراندیش

چند قرنی است که در تاریخ جهانی به خصوص در مباحث تاریخ اروپا، رنسانس از مسائل مهم و بحث‌انگیز به شمار می‌آید. روشنفکران و مورخان قرون هجدهم و نوزدهم میلادی آنرا نقطه عطفی در تاریخ بشر قلمداد نمودند و هرچند هنوز در مورد جایگاه آن در توسعه و ترقی تمدن جدید غرب متفق القول نیستند اما در کشور ما عامه را عقیده بر آن است که نه تنها رنسانس مقدمه و زمینه‌ساز ترقیات اروپا بلکه اصلاً قسمتی از آن ترقی به شمار می‌آید. انتشار ترجمه کتاب «فرهنگ رنسانس در ایتالیا» اثر یاکوب بورکهارت می‌تواند کمک بزرگی به تصحیح دانش عمومی جامعه ما از مسئله رنسانس باشد. حتی چندان به دور از حقیقت نخواهد بود اگر بگوئیم که داورهای غیرعلمی و به دور از دانش و فن بسیاری از اهل تاریخ و به طور کلی علوم انسانی را نیز می‌تواند تصحیح کند.

آقای محمدحسن لطفی مترجم محترم کتاب آنرا از متن آلمانی با عنوان

Die Kultur der Renaissance in Italien. Jakob Burckhardt. Safari - Verlag Carlholdt. Berlin. Germany. 1941.

ترجمه کرده‌اند که این به دلیل استفاده از زبان اصلی کتاب مزیتی است. اما اینکه ایشان در نخستین سطر از مقدمه خویش می‌نویسند این نخستین اثر مستقلی است که درباره رنسانس در زبان فارسی انتشار می‌یابد بهتر بود با دقت بیشتری اظهار می‌شد. در مجموعه تاریخ تمدن نوشته ویل دورانت کتاب پنجم به رنسانس اختصاص دارد که با توجه به زمان طولانی تألیف کتاب ایشان و نیز با توجه به چاپ جدید آن به وسیله ناشر ایرانی که مجلدات ده‌گانه کتاب را عرضه کرده‌اند و نیز عدم یکسانی کامل کتاب تاریخ تمدن ویل دورانت از نظر سبک و سیاق تاریخ‌نگاری می‌توان آنرا اثر مستقلی به شمار آورده و به خوانندگان معرفی کرد. در سال‌های قبل از انقلاب نیز کتابی با عنوان «ریشه اقتصادی رنسانس» نوشته سبزواری (شریعی) منتشر شد که هم دارای حجم اندکی است و هم دیدگاهی اقتصادی، اجتماعی از رنسانس را مطرح می‌سازد و به فردیت که اساس کتاب بورکهارت هست بهایی نمی‌دهد نظر به تقدم این اثر (منظور تاریخ

به بهانه انتشار ترجمه کتاب

فرهنگ رنسانس در ایتالیا



نقش اصلی این کتاب برای فرهنگ تاریخی ما تصحیح استنباط‌های نادرست و تصورات خلاف واقع از رنسانس و نمودن چهره‌ای واقعی، روشن و دقیق از پدیده رنسانس است.

رسانس از مجموعه تاریخ تمدن نوشته دیویل دورانت (بر کتاب بورکهارت در ارائه به خواننده فارسی زبان و به دلیلی که در دنبال خواهد آمد نخست نگاهی کوتاه به خواهیم انداخت:

در میان حدود یکصد و نود منبعی که ویل دورانت در تاریخ رسانس مورد استفاده قرار داده کتاب بورکهارت با مشخصات:

BURCKHARDT . JACOB . The Civilization of "the Renaissance in Italy . London . 1914 نیز دیده می شود که با گذاشتن ستاره‌های در کنار آن به مانند حدود پنجاه اثر دیگر - از مجموعه منابع مورد استفاده خویش - بر آن جهت مطالعه بیشتر تاکید کرده است.<sup>۳</sup> ویل دورانت در تاریخ رسانس خویش که مقدمه آنرا به تاریخ اول دسامبر ۱۹۵۲ م. امضا کرده است از اثر یا کوب بورکهارت استفاده بسیار کرده و اینرا هم از طرح کلی کتاب او و هم از برخی قضاوت‌هایش می توان دریافت. هرچند تاریخ رسانس ویل دورانت از نظر تلفیق زمان و مکان تلاش مجدانه‌ای را نشان می دهد اما از نظر تحلیل و مفهوم پردازی به هیچ وجه به پای اثر بورکهارت که حدود یک قرن قبل نوشته شده نمی رسد. اثر بورکهارت که سنت فلسفی تاریخ نگاری ژرمنی به خصوص تاثیرات تاریخ نگاری انتقادی را در خود دارد در مرتبه بالاتری از تفسیر تاریخی قرار می گیرد. این نکته (تنزل) را بایستی به حساب تاریخ نگاری مغرب زمین گذاشت یا تفاوتی میان این دو مورخ مسئله اصلی این نوشتار نیست اما باید بر این نظر آقای لطفی مترجم محترم کتاب صحنه گذاشت که اثر بورکهارت از کتاب‌های کلاسیک درجه اول به شمار می آید. او در معرفی کتاب و نویسنده آن می آورد:

«نویسنده کتاب، باکوب بورکهارت (۱۸۱۸ - ۱۸۹۷) یکی از بزرگترین پژوهندگان تاریخ در قرن نوزدهم است. چندی استاد دانشگاه‌های بازل و زوریخ (در سویس) بود و دعوت دانشگاه برلین را برای جانشینی لئوپولد رانکه (یکی از بزرگترین پژوهشگران تاریخ) که برای هر دانشندی در این رشته مایه افتخار بزرگی بود، رد کرد و بقیه عمر را به تدریس و تصنیف در وطن خود گذراند. در سال ۱۸۵۲ نخستین نوشته خود را با عنوان «عصر کستانین بزرگ» و در ۱۸۶۷ «هنر معماری رسانس» در ایتالیا را منتشر کرد و پس از مرگش «مقاله‌هایی درباره تاریخ هنر در ایتالیا»، «مقاله‌هایی در تاریخ فرهنگ یونان»، «تأملات در تاریخ جهان» و «داوریهای درباره تاریخ و تاریخ نوسان» انتشار یافت.

مهمترین اثر او «فرهنگ رسانس در ایتالیا» است که در ۱۸۶۰ در دوست نسخه منتشر گردید. در آغاز چندان استقبالی از آن به عمل نیامد و نه سال طول کشید تا چاپ دوم آن انتشار یافت. ولی به تدریج از باب نظر قدر کتاب را شناختند به طوری که در سال ۱۹۲۴ چاپ چهاردهم در دسترس خوانندگان قرار گرفت.

این کتاب، چنانکه از مقدمه آن نیز بر می آید، نخستین کتابی است که درباره رسانس نوشته شده است. به همه زبان‌های مهم اروپایی ترجمه شده است و با اینکه درباره رسانس نوشته‌های متعدد در زبان‌های مختلف، چه به تقلید از آن و چه به دون قصد تقلید از آن انتشار

یافته است، هنوز کتاب حاضر نوشته‌ای کلاسیک در این موضوع، و به طور کلی یکی از کتاب‌های کلاسیک درجه اول، به شمار می آید.<sup>۴</sup>

اهمیت مقام بورکهارت و تاثیر او در مورخان بعدی که درباره رسانس کتاب نوشته‌اند را می توان در اغلب آثار تاریخی مربوط به رسانس دید.

همان گونه که از عنوان کتاب بورکهارت بر می آید او رسانس را در محدوده ایتالیا و به زبان دقیق تر در نیمه شمالی ایتالیا دیده است. هرچند علیرغم تذکر مترجم در مورد «خواننده مبتدی» این کتاب مناسب کسانی که گام‌های نخست را در مطالعه و آموزش تاریخ می پیمایند نیست اما راقم این سطور لازم به تذکر می داند که رسانس در قدم اول و به عبارتی در کلیت و تمامیت خود ایتالیایی است. این از آن روست که رسانس در دیگر کشورهای اروپایی مانند فرانسه، هلند و انگلستان متأخر از ایتالیا بوده و چون با مسائلی چون پیدایش اومانیتس‌های اخلاقی چون ارسوسی و زوسنگلی یا مصلحان دینی چون لوتر و کالوین یا وطن پرستانی چون هابز و توماس مور همراه بوده لذا تفاوت‌های فراوانی با رسانس ایتالیایی دارد و بدین جهت گاه بدان «رسانس شمالی» اطلاق می شود و گاه در مجموعه مسائل مربوط به نهضت پروتستان گنجانیده می شود. لذا صرف نظر از تشکیک‌ها و تعاریف و تحدیدهای خاصی که دلمشغولی مورخان است نوع ایتالیایی رسانس یا همان رسانس معروف حد فاصل قرون سیزده الی شانزده میلادی را در بر می گیرد و جلوه‌گاه اصلی آن نیز شهرهای نیمه شمالی ایتالیا یا همان ایتالیای شمالی و مرکزی چون فلورانس، ونیز، ژنوا، میلان، رم و ... بوده است. کتاب بورکهارت با تعیین این محدوده زمانی و مکانی شکل می گیرد و در سراسر متن نیز بدان وفادار می ماند هرچند در این زمینه تا بدان حد اصرار می ورزد که تاثیر عوامل خارجی در پیدایش و زوال رسانس ایتالیایی را به نسبت اوضاع داخلی ایتالیا کم رنگ می سازد. در حقیقت بورکهارت به نوعی درون نگاری در شناخت رسانس روی می آورد و تاثیرات بیرون از اروپا و حتی اروپایی بیرون از ایتالیا را تا حدود زیادی نادیده می گیرد. این امر مقدمات تکوین رسانس را به خصوص در جهت یافتن مدخل زمانی مناسب با آن سخت دچار مشکل می سازد و این خود برای خواننده غیرمتخصص تسلط بر کتاب و درک مضامین باریک و دقیق آنرا با مشکل مواجه می سازد. شاید در رفع این مشکل بوده است که مترجم محترم کتاب خود را ناچار دیده که بخش اعظم یادداشت خویش بر ترجمه را به سیری در تاریخ اروپا و بیان مقدمات لازم برای معرفی رسانس اختصاص دهد. کاری که به دلیل اجمال چیزی از ابهام مسئله نکاسته است.<sup>۵</sup> به هرحال بورکهارت بدون مقدمه چینی متداول و گویی که سلسله‌ای از تالیف درباره تاریخ اروپا را شکل می دهد با مدخل زمانی قرن چهاردهم و از بستر جغرافیایی ایتالیا مستقیماً به سراغ اصل مطلب می رود. نخستین عبارت کتاب او - «جنگ میان پایها و شهریاران خاندان هوهنشتاوفن»<sup>۶</sup> وضعی سیاسی در ایتالیا بوجود آورد که از چندین لحاظ با وضع بقیه باختر


در بخش‌های بعدی کتاب، تأکید اساسی بورکهارت بر این است که انسان جدیدی که در ایتالیای عصر رسانس پا به عرصه می گذارد و سرآغاز انسان جدید اروپایی است چه خصوصیتی دارد.

تاریخ تمدن  
ویل دورانت  
جلد پنجم

# رسانس

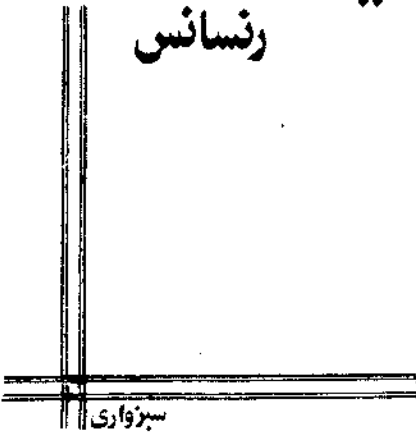
مترجمان  
مقدّم‌نویس: کتابهای اول و دوم  
ابوطالب حارص، کتابهای سوم، چهارم، پنجم، و ششم

ویراستاران  
محمد مصباح - ابوطالب حارص - منیار دهمی



چاپ چهارم، تهران ۱۳۷۳

## ریشه اقتصادی رسانس



سبزواری

زمین فرق داشت نظام تیولداری ...» - به تشریح شرایطی از جغرافیای سیاسی شمال ایتالیا می‌پردازد که طی آن فرمانروایان مقتدر شهرهای شمالی ایتالیا قدم به صحنه گذاشتند. او ایجاد خلاء ناشی از تعارض هوهنشتاوفن‌ها از شمال و پاپ‌ها از جنوب در این جغرافیای سیاسی را مورد توجه و تاکید قرار نمی‌دهد و بدین ترتیب زمینه‌سازی مداخله نیرویی سوم یعنی فرانسه و اسپانیا در پایان رنسانس ایتالیایی و مرگ آنرا فرو می‌گذارد اما با مو شکافی خاصی نتایج حاصل از پیدایش فرمانروایان مستبد و خودکامه در دولت شهرهای ایتالیایی را به بررسی می‌نشیند و چون عنصر «فردیت» را در این فرایند جان کلام خویش می‌یابد و آنرا خصوصیتی بارز برای «فرمانرا» و «دولت» می‌بیند می‌نویسد:

«در این واحدهای سیاسی روح دولت اروپایی مدرن برای نخستین بار به آزادی تمام از انگیزه‌های خاص خود پیروی می‌کند: خودخواهی افکار گسیخته به مدهش‌ترین وجود حکمزماست، هرگونه حق در معرض استهزا قرار دارد و هرگونه ادب و فرهنگ سالم در نطفه خفه می‌شود. دلی آنجا که این گرایش شریر از میان می‌رود یا به نحوی از انحاء تعدیل می‌شود؛ پدیده‌ای تازه و جاندار گام در ساحت تاریخ می‌نهد: دولت به عنوان ابدامی آگاهانه و محاسبه شده؛ و همچون اثری هنری. چه در دولت شهرهای جمهوری و چه در شهریارهای استبدادی، روح دولت به صور گوناگون متجلی می‌گردد و شکل داخلی و سیاست خارجی آنها را معین می‌کند.»<sup>۷</sup>

بدین ترتیب بخش اول کتاب با عنوان «دولت همچون اثر هنری» آغاز می‌گردد. در این بخش او زمینه‌ای سیاسی هرچند نه بطور کامل زمانمند را به خواننده عرضه می‌کند و تصویری یکجا و یکپارچه از اوضاع سیاسی - تاریخی ایتالیای عصر رنسانس ارائه می‌نماید. بخش بعدی کتاب بیان استنباط‌ها و استنتاج‌های او از همین دوران تاریخی است. فهرست کامل کتاب که به منظور احاطه و اشراف خواننده این نوشتار عرضه می‌گردد بدین شرح است:

بخش اول: دولت همچون اثر هنری  
مقدمه

فصل اول: ایتالیا در قرن چهاردهم میلادی

فصل دوم: فرمانروایان قرن چهاردهم

فصل سوم: فرمانروایان قرن پانزدهم

فصل چهارم: جباران کوچک

فصل پنجم: خاندانهای شهریار ی بزرگ

فصل ششم: مخالفان جباریت

فصل هفتم: دولت‌شهرهای جمهوری: ونیز و فلورانس

فصل هشتم: سیاست خارجی دولت‌های ایتالیایی

فصل نهم: جنگ همچون اثر هنری

فصل دهم: مقام پاپ و خطرهایی که با آن پیوسته بود

خاتمه بخش اول: وطن پرستان ایتالیا

بخش دوم: شکوفایی شخصیت فردی

فصل اول: دولت ایتالیایی و شخصیت فردی

فصل دوم: تکامل شخصیت

فصل سوم: شهرت و افتخار در دوره رنسانس

فصل چهارم: طنز و استهزا و بذله مدرن

بخش سوم: احیای فرهنگ دوران باستان

فصل اول: مقدمه

فصل دوم: خرابه‌های رم

فصل سوم: نویسندگان و شاعران دوران باستان

فصل چهارم: اومانسیم در قرن چهاردهم

فصل پنجم: دانشگاهها و مدارس

فصل ششم: مروجان فرهنگ دوران باستان

فصل هفتم: تقلید دوران باستان

فصل هشتم: رساله نویسی و تاریخ‌نگاری به زبان لاتینی

فصل نهم: فرهنگ دوران باستان به عنوان منبع عمومی

فصل دهم: شعر لاتینی جدید

فصل یازدهم: انحطاط اومانسیم در قرن شانزدهم

بخش چهارم: کشف جهان و انسان

فصل اول: سفرهای ایتالیاییان

فصل دوم: علوم طبیعی در ایتالیا

فصل سوم: کشف زیبایی طبیعت

فصل چهارم: کشف انسان

فصل پنجم: زندگی‌نامه نویسی در قرون وسطی و دوره رنسانس

فصل ششم: وصف خصوصیات اقوام و شهرها

فصل هفتم: وصف قیافه ظاهری انسان

فصل هشتم: وصف زندگی انسانی

بخش پنجم: زندگی اجتماعی و جشنها

فصل اول: برابری طبقات

فصل دوم: لباس و مد

فصل سوم: زبان و زندگی اجتماعی

فصل چهارم: رسوم و آداب معاشرت

فصل پنجم: تربیت مرد درباری

فصل ششم: موسیقی

فصل هفتم: برابری زن و مرد

فصل هشتم: زندگی خانوادگی

فصل نهم: جشنها

بخش ششم: اخلاق و دین

فصل اول: داور در اخلاق ایتالیاییان دوره رنسانس

فصل دوم: شخصیت فردی و اخلاق

فصل سوم: دین در زندگی روزانه

فصل چهارم: نیروی معتقدات کهن

فصل پنجم: روح رنسانس و دین

فصل ششم: نفوذ خرافات دوره باستان

فصل هفتم: شکاک و بی‌ایمانی عمومی

عنوان بخش اول با فصول دهگانه‌اش «دولت همچون اثر هنری» در ملاحظه‌ای مقدماتی و گذرا گنجانده می‌نماید تا آنکه خواننده به فصل هشتم همین بخش برسد. در ابتدای این فصل مشخص می‌شود که منظور از اثر هنری عظیم‌التظیر بودن کنش دولت شهرهای ایتالیایی به واسطه منش خاص و منحصر بفرد فرمانروایان مستبد آنها بوده است. یعنی شرایطی که فردیت محض امکان استقرار امر حکومت بر قاعده‌ای همگانی و به تعبیر قرن نوزدهمی «علمی» را غیرممکن می‌ساخت. کلام بورکهارت که چنین استنباطی را برای راقم این سطور موجب شده این است:

«همچنانکه سازمان داخلی بیشتر دولت‌های ایتالیایی

اثری هنری، یعنی آفرینشی آگاهانه و مبتنی بر اندیشه و

استوار بر شالوده‌ای حساب شده، بود ارتباطشان با

یکدیگر و با دولتهای دیگر نیز می‌بایست اثری هنری

باشد. این واقعیت که تقریباً همه آن دولت‌ها از طریق

غصب و قهر و غلبه نسبتاً جدید به وجود آمده بودند، چه

در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی آنها اثری

وخم داشت. رفتار هیچ یک از آن دولتها در برابر دیگران

فارغ از احتیاط و کتمان نبود و همان حساری که هنگام

تأسیس و تحکیم حکومتشان به پاریشان رسیده بود در

رفتار با همسایگانشان نیز به کار گرفته می‌شد. در حقیقت

صلح و جنگ بسته به میل و اراده فرمانروا نبود، و همه

فرمانروایان نامشروع مجبور بودند همواره در حال جنبش

باشند و به توسعه قلمرو خویش بکوشند. بدین سان ایتالیا

زادگاد نوعی «سیاست خارجی» می‌شود که به تدریج در

کشورهای دیگر نیز به صورت نظام حقوق بین‌الملل رایج

در می‌آید. واقعیتی، و فراغت از هرگونه پیشداوری و قید

اخلاقی، در سیاست خارجی به چنان درجه کمالی

می‌رسد که بعضی اوقات خالی از ظرافت و عظمت نیست

در حالی که کل آن همچون ورطه‌ای شوم و دهشت‌انگیز

می‌نماید.

تاریخ سیاست خارجی ایتالیا در این دوره داستانی

است از نیرنگها و اتحادیه‌ها و مسلح شدنها و رشا و ارتشا و

خیانتها.»<sup>۸</sup>

بیان چنین خصوصیتی از دولت برای خواننده

امروزی که شاهد توسعه قواعد و ضوابط روابط بین‌الملل

است بیشتر جای تأسف و تعجب دارد که در پی توصیف

طبولاتی بورکهارت از دولت شهرهای ایتالیایی و

فرمانروایانشان در فصول اول تا هشتم صورت گرفته

است. به عنوان مثال توصیفات او در خصوص تاثیر

اوضاع سیاسی ایتالیا در رفتار سیاسی گروه‌ها و

فرمانروایان چنین است:

«... در برابر این قدرت متمرکز هرگونه مخالفتی در

درون کشور غیرممکن بود. زورگویی و استبداد در همه جا

حکمرانی می‌کرد و همه امکانات بازگرداندن حکومت

جمهوری به دولتها را از میان برداشته شد. بود. اشراف،

اعم از گولف‌ها و گیلین‌ها، با وجود جامه‌های پرشکوه و

جلال و کلاههای مزین به پرهای رنگارنگ، فاقد حقوق

سیاسی بودند، و مردان متفکر مانند ساکیاوالی نیک

می‌دانستند که دولتهایمانند ناپل و میلان فاسدتر از

آند که حکومت جمهوری بتواند در آنها ستفر گردد. هر

دو گروه اشراف به سرونشی عجیب دچار آمده بودند و

فعالیتشان منحصر به کشمکشهای شخصی و خانوادگی

بود. هنگامی که آگریافون تسهام به یکی از شهریاران

ایتالیایی توصیه کرد که هر دو گروه را از میان بردارد،

شهریار پاسخ داد: از کشمکش‌های ایشان هر سال دوازده

هزار سکه طلا جریمه عاید من می‌شود؛ و وقتی که مثلاً در

سال ۱۵۰۰ در اثنای بازگشت لودویکو مورو به قلمرو

خودش، گولف‌های شهر نورنوا از بخشی از سپاه فرانسه

خواهش کردند که به شهر بیایند و گیلین‌ها را تار و مار کنند

فرانسویان آمدند و نخست دارایی خود گولف‌ها را

غارت کردند و سپس به جان گیلین‌ها افتادند و شهر را با

خاک یکسان ساختند. در رومانی که همچنان و انتقام‌گیری



پایان ناپذیر می‌نماید، آن هر دو نام محتوای سیاسی خود را به کلی از دست داده بودند. یکی از علایم جنون سیاسی این بود که گونث‌ها معتقد بودند مؤلفند هواخواه فرانسه باشند و گیلین‌ها از اسپانیا طرفداری می‌کردند. به عقیده من آنان که می‌کوشیدند از این جنون فایده‌ای ببرند چندان حاصلی از کوشش خود بر نداشتند. فرانسه پس از هر مداخله‌ای در ایتالیا، مجبور شده است از شبه جزیره عقب‌نشینی کند و فایده‌ای که اسپانیا از ویران ساختن ایتالیا برده است بر همه روشن است.»

در مجموع از این گونه توصیف‌ها در خصوص مسائل سیاسی جامعه ایتالیا در بخش نخست فراوان است و برای خواننده‌ای که از رنسانس فقط نقاشان و پیکر تراشان و آثار بدیع هنری و ادبی را می‌شناسد موجب تحیر و تحسر می‌گردد. حتی نویسنده کتاب نیز در پایان همین بخش در فصلی با عنوان وطن پرستان ایتالیا تلویحاً تاسف خود را در خصوص ایتالیا ابراز می‌دارد و با مقایسه میان ایتالیایی‌ها و ملل دیگر اروپا علل و زمینه‌های عقب ماندن ایتالیایی‌ها از ترقیات اروپا پس از رنسانس را بر می‌شمارد.<sup>۱۰</sup> امری که تا اواسط قرن نوزدهم تشکیل دولت واحد ملی در ایتالیا را غیرممکن ساخت.

بخش بعدی کتاب به مباحث غیرسیاسی تاریخ رنسانس ایتالیایی می‌پردازد و در مباحثی چون شکوفایی شخصیت فردی، احیای فرهنگ دوران باستان، کشف جهان و انسان، زندگی اجتماعی و جشن‌ها و سرانجام اخلاق و دین، شرایط فرهنگی و تمدنی ایتالیای عصر رنسانس را بازگو می‌کند. در آنجا تاکید اساسی او بر این است که انسان جدیدی که در ایتالیای عصر رنسانس پا به عرصه می‌گذارد و سرآغاز انسان جدید اروپایی است چه خصوصیتی دارد. در حقیقت او به انسان‌شناسی تاریخی عصر رنسانس اهتمام می‌ورزد و بدین ترتیب روح فرهنگ اومانیستی عصر رنسانس را با ظرافت خاصی بازگو می‌کند. بدین لحاظ برخلاف بخش نخست، بخش‌های دیگر فقط برای اهل تاریخ نیست و پژوهشگران عرصه‌های اخلاق، ادبیات، دین، سیاست ... را نیز می‌تواند به تصور این مضامین در عصر رنسانس و در مقدمه تمدن جدید غرب آشنا سازد.

برای اهل تاریخ شاید مهمترین بخش از کتاب بورکهارت احیای فرهنگ باستان باشد امری که واژه رنسانس اساساً به خاطر آن وضع شد. او از اقدامات ادیبان و هنرمندان در این خصوص و تاثیر شرایط فرهنگی ایتالیا و وجود بقایای آثار و ابنیه روم در این خصوص سخن می‌گوید و در همین بخش است که اومانیسم در عصر رنسانس را به بررسی می‌نشیند.<sup>۱۱</sup> کوتاه سخن آنکه بورکهارت با تسلط و توانایی درخور تحسینی کلیه ابعاد و جوانب رنسانس در ایتالیا را مورد بررسی قرار داده و اثری پر مطلب هرچند در حجمی اندک را به خواننده مشتاق عرضه نموده است. مترجم محترم نیز به خوبی کلام کوتاه اما گویای او را منعکس کرده است. در حقیقت ایشان خلاء ناشی از فقدان این کتاب را که از بهترین آثار تحقیقی در باب رنسانس و مورد نیاز مبرم دانشجویان تاریخ بود را پاسخ گفته‌اند.

- ۱-۵۰ تا ۱۲۶۸ میلادی. (توضیح مترجم)  
 ۶- بورکهارت، پیشین، ص ۱۸  
 ۷- همان، ص ۱۹-۱۸  
 ۸- همان، ص ۹۷  
 ۹- همان، ص ۶۷  
 ۱۰- همان، ص ۱۳۰  
 ۱۱- همان، ص ۱۶۹ به بعد

- پانوشته‌ها:  
 ۱- یاکوب، بورکهارت، فرهنگ رنسانس در ایتالیا، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۹.  
 ۲- ویل دورانت، تاریخ تمدن: رنسانس، مترجمان صفدر تقی‌زاده و ابوطالب صامی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.  
 ۳- یاکوب، بورکهارت، پیشین، ص ۱۳  
 ۴- همان، ص ۱۲-۹  
 ۵- Hohenstaufen خاندان شهریار آلمان و سیسل از حدود

تصویر پالتینا (شاعر ایتالیایی) در حضور پاپ سیکستوس چهارم اثر Melozzo da Forlì

